

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال هشتم ♦ شماره ۱۵ ♦ بهار و تابستان ۱۴۰۱  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۲ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۶/۰۴ ♦ صفحات: ۶۹-۸۹

## نگاه جریان سروری نسبت به تشیع و جمهوری اسلامی

احمد کوثری\*

مهدی فرمانیان\*\*

### چکیده

جریان وهابی سروریه یکی از جریان‌های وهابی است که توسط محمد سرور در عربستان پدید آمد. این جریان، دیدگاه‌های انتقادی شدیدی نسبت به حاکم سعودی دارد و در مقابل جریان جامیه (درباری) پدید آمده‌اند. این جریان با وجود اعتراض‌هایی که به حاکم سعودی دارند، دیدگاه تندی هم نسبت به تشیع، خصوصاً پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی دارند. محمد سرور با تألیف کتب متعدد از جمله و جاء دور المجوس، اتهامات ناروای بسیار را به انقلاب ایران و بنیان‌گذار آن حضرت امام خمینی علیه السلام وارد آورد. برخی گمان کرده‌اند علمای اخیر سروریه از جمله سلمان العوده، سفر الحوالی و... دیدگاه معتدل‌تری نسبت به تشیع و ایران دارند. با بررسی مشخص می‌شود که این افراد نوسروری نیز مانند محمد سرور دیدگاه‌های تندی نسبت به تشیع، ایران و امام خمینی علیه السلام دارند. در مقاله حاضر به بررسی دیدگاه این جریان وهابی نسبت به تشیع و جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: سروری، وهابیت، تشیع، ایران، امام خمینی علیه السلام.

---

\* دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسنول).

\*\* دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی.

## مقدمه

وجه تسمیة جریان وهابی سروری به این نام، این است که مؤسس این گروه یک فرد سوری به نام شیخ محمد سرور زین العابدین بن نایف متولد ۱۹۳۸ق در منطقه حوران سوریه بود و به عضویت اخوان المسلمین دمشق درآمد و از طریق مصطفی سباعی، عصام عطار و مروان حدید با افکار سید قطب آشنا شد. پس از مدتی به صف مبارزان گروهک الطلیعة المقاتلة پیوست. این گروه به مبارزه مسلحانه با حافظ اسد اشتغال داشت که در دهه شصت میلادی پس از سخت گیری هایی که توسط دولت سوریه نسبت به اخوان المسلمین صورت گرفت و در پی انشقاق در تشکل اخوان وارد عربستان شد. در حقیقت در سال های ۱۹۶۶-۱۹۶۵م که با سرکوب شدید اخوان المسلمین در کشورهای مصر، سوریه و اردن همراه بود، جمعی از اخوانی ها نظیر مناع خلیل القطان، عشاوی سلیمان، مصطفی العالم، عبدالعظیم لقمه، محمد سرور بن نایف زین العابدین و محمد قطب به عربستان مهاجرت کردند.<sup>۱</sup> در آن زمان عربستان سعودی، حضور اخوان المسلمین را به مثابه ابزاری سیاسی برای مقابله با رژیم جمال عبدالناصر مناسب تلقی کرد.<sup>۲</sup> در این دوران، محمد سرور با حضور در مراکز دینی این سرزمین، به ترویج اندیشه های اخوانی و به تربیت شاگردانی مؤثر پرداخت که بعداً به سروریه<sup>۳</sup> شهرت یافت. محمد سرور بین افکار محمد بن عبدالوهاب، سید و محمد قطب جمع کرد؛ یعنی وی توحیدی را قبول کرد که مبنایش دو کتاب التوحید محمد بن عبدالوهاب و فی ظلال القرآن سید قطب بود.<sup>۴</sup> در نتیجه وی در ضدیت با مذاهب و شیعه دارای افکار وهابیون بود.<sup>۵</sup> محمد سرور برداشت خود از افکار اخوان المسلمین مصر و سید

۱. ابراهیم، فؤاد، السلفية الجهادية في السعودية، ص ۲۷۴.

۲. استیغفان لاکروا، زمن الصحوة الحركات الاسلامية المعاصرة في السعودية، ج ۲، ص ۲۱۰؛ الزبیدی، عمر ابراهیم، الفسيفساء السعودية، ج ۲، ص ۱۲۷.

۳. در عین حال، جالب آنکه تسمیة جریان فکری محمد سرور به سروریه، مورد رضایت وی و هوادارانش واقع نشده است. ابراهیم السکران گزارش می کند که نخستین بار این نام را از مخالفان جریان محمد سرور و در زمان جنگ خلیج فارس شنیده است. (بن محمد بن عثمان، علی خالد، الحدود الفاصلة بين اصول منهج السلف الصالح و اصول القطبية السرورية، ص ۳۳-۲۰)

۴. نک: مقاله «الإخوان السعوديون... التيار الذي لم يقل كلمته بعدا!» بقلم عمر العزري.

۵. نک: مقاله «السكران في حديث له مع صحيفة لندنية.»



قطب را در عربستان گسترش داد که بدین جهت به این جریان، وهابیت قطبی هم گفته می‌شود؛ البته برخی افکار محمد سرور را غیر از افکار اخوان المسلمین مصر می‌دانند همان‌طور که ظاهراً سروری نامیدن این افراد به سبب دشمنی بعضی از اعضای اخوان المسلمین که با اندیشه‌های محمد سرور مخالف بوده‌اند، صورت گرفته است. این گروه از مخالفان اخوانی محمد سرور معتقدند اندیشه‌های او برخاسته از بدعت‌هایی است که راه به مقصد نبرده و نهایتاً تمام تلاش‌های صورت گرفته از سوی اسلاف اخوان المسلمین را به باد خواهد داد.<sup>۱</sup> در ادامه به برخی از مواضع این جریان وهابی نسبت به تشیع بعد از انقلاب اسلامی ایران می‌پردازیم:

### دیدگاه تند جریان سنتی سروری نسبت به شیعه

با بررسی افکار جریان وهابی سروری در می‌یابیم که سروریه از نگاهی شدیداً منفی نسبت به شیعه برخوردار است. پیشینه این نگاه و بستر نظری آن در آثار متفکران این جریان و به‌ویژه شخص محمد سرور به نحو‌نمایی قابل دریافت است. وی در جای‌جای آثار خود به تحلیل پیشینه، ماهیت و وضع کنونی شیعه توجه کرده است که شرح این نگرش می‌تواند سرّ عناد و نزاع این جریان وهابی را نسبت به اندیشه و منش شیعی شرح دهد.

### الف. دسته‌بندی شیعه در نگاه محمد سرور

در ابتدا به برخی مباحث مطرح شده توسط محمد سرور می‌پردازیم و مباحث این به اصطلاح عالم جریان سروریه را نیز بررسی می‌کنیم:

محمد سرور وقتی به مبحث مربوط به شیعه می‌رسد، ابتدا با حالتی زشت، این پیروان مکتب نورانی اهل بیت علیهم‌السلام را با عنوان روافض نام می‌برد و سعی در جداسازی جریان تشیع از اسلام اصیل دارد و بیان می‌دارد که اختلاف این نحله (شیعیان) با امت اسلام هم در اصول و هم در فروع دین توسعه یافته است.<sup>۲</sup>

وی در پاسخ به این مسئله که چرا برای تسمیه شیعه از تعبیر نامناسب مجوس بهره

۱. بن محمد بن عثمان، علی‌خالد، الحدود الفاصلة بین اصول منهج السلف الصالح و اصول القبطیة السورویة، ص ۲۰-۳۳.

۲. سرور، محمد، و جاء دور المجوس، ص ۱۲۳؛ نک: محمد سرور، الشیعة فی لبنان حركة انموذج، ص ۱۲.



گرفته است؟ به تقسیم‌بندی شیعه پرداخته است. از نگاه سرور، شیعیان را به حسب گرایش فکری و تغییرات تاریخی صورت گرفته، می‌توان به انواع زیر تقسیم کرد:

تفضیلیه: این گروه از شیعیان به افضلیت امام علی علیه السلام بر سایر صحابه باور دارند. از دید این گروه، خلافت خلفای ثلاثه پیش از امام علی علیه السلام به رسمیت شناخته شده است. در عین حال، این گروه از شیعیان از تکفیر و لعن صحابه خودداری کرده‌اند و نهایتاً در مقام مقایسه میان اصحاب، قدر امام علی علیه السلام را بیش از دیگران رعایت نموده‌اند. آرای این گروه از شیعیان نزد گرایش زیدیه بیش از دیگران مشهود است. از نگاه محمد سرور، این گروه از شیعیان در شمار مسلمانان قرار دارند و اتهاماتی از قبیل کفر، فسق و مجوس بودن به آنان جایز نیست.<sup>۱</sup>

غلاة شیعه: این گروه به باور محمد سرور از اساس رافضی هستند و باطنشان کفر است. به گزارش سرور، این دسته از شیعیان باورهای منحرفی همچون جواز تناسخ ارواح، قدیم بودن عالم، انکار بعثت انبیا و مبعوث شدن اجساد در قیامت، خدا بودن امام علی علیه السلام و... را نمایندگی می‌کنند. حکم این گروه از شیعیان کفر است، به اجماع امت اسلامی. همچنین ریشه عقاید این گروه را باید در عقاید مجوس یافت که به مرور با ظاهری از آیین اسلام تلفیق شده است. این گروه همواره در عالم اسلام مطرود و ملعون بوده‌اند؛ ولی در نقاطی از سرزمین‌های اسلامی به حیات خود تاکنون ادامه داده‌اند.<sup>۲</sup>

شیعیان امامیه اثنی عشری: به باور محمد سرور، این گروه از شیعیان همان کسانی هستند که از عصر صفوی تاکنون در ایران قدرت ویژه‌ای یافته‌اند و هم‌اکنون حاکمیت مطلق را در ایران در دست دارند. به عقیده سرور، این فرقه از شیعیان به حداقل ده فرقه قابل تقسیم است و گرایش‌های فکری متعددی همچون اخباری و اصولی را در خود جای داده است. همچنین به گزارش سرور، این گروه در باب حکام مسلمین، قائل به بسط ید در اختیارات آنها می‌باشند. سرور، اطلاق نام مجوس به این گروه را روا نمی‌داند. در عین حال، وی با برشمردن شماری از عقاید این گرایش از شیعیان، عقاید آنان را به باورهای مجوسی نزدیک دانسته است. همچنین با آنکه اهل سنت، این گروه از

۱. سرور، محمد، و جاء دور المجوس، ص ۲۳.

۲. همان.

شیعیان را کافر نمی‌دانند؛ اما اصرار آنان به صدور این عقاید ناصواب، آنان را (باوجود اقرار لسانی به اسلام) به این سمت سوق داده است.<sup>۱</sup> محمد سرور معتقد است به‌طور کلی کسانی که به این عقاید باور داشته باشند، در باطن مجوسی و کافرند، هرچند اسلام را به‌ظاهر عیان نمایند. قول به زیادت و نقصان در قرآن، تکفیر صحابه کبار، لعن خلفای ثلاثه و عایشه، قبول عصمت برای ائمهٔ اثنی‌عشری و افضل دانستن آنان از انبیای الهی و قائل شدن به علم غیب برای آنان.<sup>۲</sup>

وی موضوعاتی نظیر تقیه، رجعت، تعظیم قبور و لعن بر صحابه را از رفتارهایی می‌داند که قاطبۀ شیعیان اثنی‌عشری بدان پایبند هستند و از این‌روست که در تفکر سروری، مبارزه با عقاید شیعی نیز از اجزای مهم جهاد برای حفظ اصالت دین است.<sup>۳</sup> محمد سرور همچنین با بیان اینکه شیعیان، اهل لعن بر صحابه هستند، تأکید می‌کند لعن کثیری از صحابه (که به اعتقاد وی امت اسلام بر عدالت آنان اجماع دارند) عملی است که با ادعای مدعیان دموکراسی امروزی نیز سازگار نیست.<sup>۴</sup>

#### نقد

اولاً باید گفت، سرور معنای برخی واژگان مانند تقیه را که اصل قرآنی دارد نفهمیده است. همچنین قطعاً محمد سرور بر اساس معتقدات اسلامی می‌داند که اصل لعن و برائت نیز اصل قرآنی دارد؛ اما در عین حال شیعیان، اهل لعن بر تمامی صحابه نیستند و همچنین فتوای مراجع و علمای شیعه بر حرمت اهانت به مقدسات اهل سنت است و سب‌کردن و همچنین لعن علنی را نیز به‌سبب احترام به برادران اهل سنت جایز نمی‌دانند.<sup>۵</sup>

ثانیاً دربارهٔ تحریف قرآن باید گفت: عدم تحریف قرآن یا تحریف‌ناپذیری قرآن از اعتقادات عموم مسلمانان و فرق اسلامی است که بر اساس آن، قرآنی که در دست مسلمانان است، دقیقاً همان است که بر پیامبر اعظم ﷺ وحی شده و نه چیزی به آن

۱. همان.

۲. همان.

۳. محمد سرور، دراسات فی السیرة النبویة، ص ۳۱۱؛ نک: الجیش و السیاسة فی سوریه، ص ۳۱.

۴. محمد سرور، دراسات فی السیرة النبویة، ص ۳۱۱.

۵. نک: کوثری، احمد، حرمت، اهانت و تکفیر مسلمانان از دیدگاه علمای شیعه.



افزوده و نه از آن کم شده است.<sup>۱</sup> به نظر غالب مفسران، فقیهان و قرآن پژوهان شیعه، قرآن با همین ترتیب و ساختار کنونی در زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله شکل گرفته است و لذا هر روایت و نقل تاریخی که منافات با این اصل داشته باشد از اعتبار ساقط است.<sup>۲</sup>

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی رحمته الله علیه با نقل نظر بزرگان شیعه در زمینه عدم تحریف قرآن می نویسد: «عالمان شیعه در طول تاریخ به مبحث تحریف قرآن پرداخته و اشکالات آن را بیان نموده و با دفاع از محفوظ بودن قرآن، علاوه بر ردّ شبهات تحریف، به اعتقاد خود و شیعه در این زمینه اشاره داشته اند.»<sup>۳</sup>

همچنین سید بن طاووس، علامه حلی، شیخ بهایی، شیخ حر عاملی، علامه مجلسی، سید بحر العلوم، کاشف الغطاء و بسیاری از بزرگان و مجتهدین و مراجع عظام تقلید شیعه از جمله عالمانی هستند که در طول تاریخ شیعه در کتب مختلف علمی، بحث تحریف قرآن و زیادت یا نقصان آن را مطرح نموده و با ردّ چنین نظری به پاسداری از اعتقاد شیعه پرداخته اند.<sup>۴</sup> آقا بزرگ تهرانی نیز در الذریعه به عالمانی که در ردّ تحریف قرآن، رساله یا کتابی نگاشته اند، اشاره کرده است؛<sup>۵</sup> مانند التحریف و التبديل، نوشته ابوالقاسم احمد بن علی الکوفی، التحریف و التبديل، نوشته ابوجعفر محمد بن الحسن کوفی، التنزیل من القرآن و التحریف، نوشته ابوالحسن علی بن حسن فضال، کشف الارتياب عن تحریف القرآن، نوشته شیخ محمد تهرانی، رد کشف الایتاب، نوشته میرزای نوری، زهارة المصحف الشریف عن النسخ و النقص و التحریف، نوشته سید هبة الله شهرستانی.

ثالثاً اگر بخواهیم در بحث تحریف قرآن به نظرات شاذ توجه کنیم، نه نظر اجماعی یک مذهب، باید گفت در بین اهل سنت که وهابیان به دروغ خود را از اهل سنت می شمارند، کم نیست روایاتی که دال بر تحریف قرآن هستند.<sup>۶</sup>

۱. زجاج، ج ۳، ص ۱۷۴؛ ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ج ۷، ص ۲۲۵۸.

۲. خونی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۰۰.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۸.

۴. امین، سید محسن، اعیان الشیعة، ج ۱۱، ص ۲۲۹؛ میلانی، سید علی، التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن الشریف، ج ۱، ص ۳۰-۱۳.

۵. تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۳، ص ۳۱۱ و ۳۹۴؛ ج ۴، ص ۴۵۴؛ ج ۱۶، ص ۲۳۱؛ ج ۲۴، ص ۱۶۵.

۶. نک: طاهری خرم آبادی، سید حسن، عدم تحریف قرآن، ص ۶۴-۷۵.

## ب. دیدگاه محمد سرور درباره انحراف شیعه و خروج از امت اسلام

به باور سرور، انحراف عقیدتی شیعیان در این نقطه است که آنان - بنا به ادعای محمد سرور - اولاً قرآن را تحریف شده و فاقد استناد می‌دانند و ثانیاً در مقام استنباط احکام، ضمن ردّ آرای صحابه، اقوال ائمه خود را هم عرض احکام قرآن و سنت نبوی ساخته‌اند.<sup>۱</sup> در واقع در این نقطه است که سروریه، تفکرات شیعی را از اساس، خارج از مرزهای عقیدتی جهان اسلام می‌داند و شیعه را جریانی اساساً غیر اسلامی و هرچند به ظاهر مقرّب به شهادتین، معرفی تلقی می‌نماید؛ از این رو نگرش سروریه به اصول فکری و باورهای مذهبی شیعه، نمی‌تواند توأم با مسامحه، همراهی و به رسمیت شناختن تشیع باشد. در بحث از انحراف سیاسی نیز سروریه بر این باور است که شیعیان از پی نزدیک شدن به آیین اسلام و قبول ظاهری آن در فکر احیای حکومتی ایرانی با ماهیتی ترکیب شده از دین اسلام و آیین زرتشت هستند؛<sup>۲</sup> از این رو در موضع سیاسی نیز سروریه به تحركات سیاسی شیعیان در همه حال به مثابه خروج این گروه بر امت اسلام نظر می‌کند. پیداست که در این نظر نیز امکان و راه حلی برای نزدیکی شیعه با امت اسلام فراهم نشده و در مرام‌نامه سیاسی سروری‌ها، شیعیان نقشی در نقشه راه جهان اسلام نخواهند داشت؛<sup>۳</sup> بنابراین از این دو بعد نگرش سروریه به ماهیت اندیشه شیعی، می‌توان نتیجه گرفت که جریان فکری سروریه، اساساً شیعه را در هیچ یک از ساحت‌های نظری و عملی جهان اسلام به رسمیت نمی‌شناسد و آن را اصالتاً و ماهیتاً بیرون از حصار اسلام تعریف می‌نماید.

### نقد

در ابتدا باید گفت که بحث سیاست شیعه و حکومت ایران، چیزی جز اجرای تعالیم قرآن و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت جلیل‌القدر ایشان نیست. ثانیاً شیعه، روایات تمام صحابه را بی‌اثر نمی‌داند؛ بلکه برخی صحابه، بسیار هم مورد توجه شیعیان می‌باشند. ثالثاً شیعه برای تبعیت از امامان خود، ادله و اسنادی دارند که هم قرآن و هم پیامبر

۱. سرور، محمد، و جاء دور المجوس، ص ۲۳.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. همان.



اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توصیه به آن و تبعیت از امامان نموده‌اند. از جمله در آیاتی همچون آیهٔ اولی الامر، آیهٔ تطهیر، آیهٔ ولایت، آیهٔ اکمال، آیهٔ تبلیغ و آیهٔ صادقین به امامت امامان اشاره شده است و روایاتی هم دربارهٔ امامان وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. حدیث ثقلین که هم در منابع شیعی وارد شده و هم در منابع اهل سنت به تواتر رسیده است. در این حدیث به تبعیت از اهل بیت پیامبر و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام به عنوان عدل و همسنگ قرآن و مفسران قرآن، حکم، تکلیف و وصیت شده است؛ لذا هر مسلمانی طبق این دستور پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و جوب به پیروی از امامان را دارد، نه اینکه به تخطئه اطاعت از امامان پردازند.

این حدیث در اصول کافی از کتب اربعه و اصلی شیعه آمده است:

من در میان شما دو چیز باقی می‌گذارم که اگر آنها را دستاویز قرار دهید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم که اهل بیتم هستند. ای مردم بشنوید! من به شما رساندم که شما در کنار حوض بر من وارد می‌شوید، پس من از شما دربارهٔ رفتارشان با این دو یادگار ارزشمند سؤال خواهم کرد؛ یعنی کتاب خدا و اهل بیتم.<sup>۱</sup>

سنن نسائی از صحاح سنهٔ اهل سنت، این حدیث را چنین نقل می‌کند:

«زمان وفات من نزدیک شده است. من در میان شما دو شیء گران بها باقی می‌گذارم که یکی بزرگ‌تر از دیگری است، کتاب خدا و عترتم که همان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است. پس بنگرید که چگونه با آن دو رفتار می‌کنید که آن دو از هم جدا نمی‌شوند تا آنکه در کنار حوض بر من وارد شوند.»<sup>۲</sup>

۲. حدیث جابر که جابر بن عبدالله انصاری پس از نزول آیهٔ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾<sup>۳</sup> دربارهٔ معنای اولوالامر از پیامبر پرسید؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پاسخ او فرمود: «آنان جانشینان من و امامان مسلمانان بعد از من هستند که اولشان علی بن ابی طالب است و بعد از او به ترتیب حسن، حسین، علی بن حسین

۱. «...إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا- كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَهْلُ بَيْتِي عِزَّتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمِعُوا وَ قَدْ بَلَّغْتُ إِيَّاكُمْ سَرْدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ فَأَسْأَلُكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَ الثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي...» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۹۴)

۲. «...کافی قد دعیت فاجبت، انی قد ترکت فیکم الثقلین احدهما اکبر من الآخر، کتاب الله و عترتی اهل بیتی، فانظروا کیف تخلفونی فیهما، فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض...» (نسائی، السنن الکبری، ج ۵، ص ۴۵)

۳. نساء، ۵۹.



و محمد بن علی... جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و پس از او فرزندش هم نام و هم کنیه من است...»<sup>۱</sup>

۳. حدیث ۱۲ خلیفه که روایاتی از طریق اهل سنت نقل شده که در آنها تعداد خلفای پیامبر ﷺ و برخی از ویژگی هایشان، مانند قریشی بودن، بیان شده است. جابر بن سمره از رسول خدا ﷺ نقل کرده که «این دین همیشه تا قیام قیامت و تا هنگامی که دوازده نفر خلیفه بر سر شما باشند، استوار و پابرجاست. این خلفا همگی از قریش هستند.»<sup>۲</sup> همچنین در حدیثی به نقل از ابن مسعود، شمار نقیبان پس از پیامبر ﷺ، ۱۲ تن به تعداد نقیبان بنی اسرائیل گفته شده است.<sup>۳</sup> به گفته سلیمان بن ابراهیم قندوزی از عالمان اهل سنت، منظور از دوازده خلیفه در احادیث نبوی، ائمه دوازده گانه شیعه هستند؛ زیرا این احادیث بر کسان دیگر قابل حمل نیست.<sup>۴</sup>

لذا طبق آیات و روایات مورد اشاره، اولاً امامان همسنگ و عدل قرآن هستند و ثانیاً وجوب اطاعت از امامان دوازده گانه بر همه مسلمین امری لازم و موجب مدح است، نه اینکه به سبب چنین اطاعتی به ذم پیروان آن مذهب پرداخته شود و درحقیقت کسانی که برخلاف آیات و روایات از امامان و احادیث و سیره آنان پیروی نمی کنند باید پاسخگو باشند.

### دیدگاه برخی وهابیان معاصر سروری درباره شیعه

درباره وهابیان معاصر سروری، مطالب مختلفی بیان شده است. از جمله اینکه برخی مدعی شده اند، برخی علمای معاصر این جریان، مانند سلمان العوده نسبت به شیعیان معتدل هستند و با دیدگاه مؤسس این جریان، یعنی محمد سرور تفاوت های زیادی در نگرش و تکفیر تشیع دارند که این مسئله بررسی می شود.

۱. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۴-۲۵۳.

۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۲۷؛ مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۶، ص ۴-۳؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۵، ص ۹۰، ۹۳، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰ و ۱۰۶؛ ترمذی، سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۰؛ سجستانی، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۰۹.

۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۰۱؛ نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۷۵-۷۴.

۴. قندوزی، ینابیع الموده لذوی القربی، ج ۳، ص ۲۹۳-۲۹۲.



## الف. سلمان العوده و شيعه

برخی معتقدند سلمان العوده، به‌عنوان یکی از افراد شاخص نووهابی‌ها، نگاه متفاوتی به مسئله تکفیر دارد و بنا بر سخنان وی گفته‌اند که او تکفیر گروهی<sup>۱</sup> را نمی‌پذیرد و معتقد است تمام کسانی که اهل قبله هستند، مسلمان تلقی می‌شوند؛ مگر اینکه کسی به‌یقین از اسلام خارج شود و افکار و اندیشه‌های کفرآمیز خود را علنی بر زبان جاری کند.<sup>۲</sup> از سلمان العوده بعضاً مباحث بسیار تندی نیز نسبت به شيعه نقل شده است. مثل سخنرانی وی در برنامه‌ای با عنوان «حجر الزاوية» که منتشر شد و در آن برنامه، دیدگاه بسیار تندی را نسبت به علمای شيعه ابراز نموده، به‌نحوی که بیان نموده شيعيان خبيثان بلاحدود هستند که هیچ علم خاصی ندارند و بدون تفکر و بدون بصیرت از علما خودشان که این علما را علمای ضلال می‌نامد پیروی می‌کنند. سلمان العوده در ادامه سخنانش در این برنامه نیز مواضع تند دیگری علیه شيعيان و علمای شيعه دارد<sup>۳</sup> که این صحبت‌های عوده، نشان از مخالفت شدید وی با مکتب تشیع و علمای تشیع می‌دهد. همچنین قائل است که فرق شيعه و اهل سنت در اصول است، نه اینکه در فروع باشد و بیان می‌کند این‌گونه نیست که فرق شيعه و اهل سنت مانند تفاوت بین مذاهب حنفی، حنبلی، شافعی و مالکی با یکدیگر باشد؛ بلکه یک اختلاف در اصول و عقاید است؛ مثل اعتقاداتی که شيعه نسبت به عصمت ائمه دارد یا اعتقاد به سب صحابه یا تنقیص شیخین یا خیانت عایشه که این اختلافات حتی در مدل شيعيان معتدل هم از نوع جوهری و اساسی است.<sup>۴</sup> سلمان العوده همچنین در مبحث اعیاد مسلمانان و اعیاد اسلامی می‌گوید: «یهودیان اعیاد اختصاصی دارند و همچنین نصاری هم اعیاد اختصاصی خودشان را دارند... برای مجوسیان هم اعیاد مختص به خودشان است... و

۱. تکفیر الجماعي.

۲. برنامه‌های هفتگی، الحیاة کلمه به کارشناسی العوده در شبکه MBC.

<http://www.youtube.com/DrSalmanTv>

۳. «هم بذلک خبيثان بلاحدود لانهم يتجاهلون عمدا الفوارق الاساسية بين البلاد ... فاولئك قوم من الرافضة الشيعة... فانه ليس لديهم علم، انما لديهم علماء يتبعون و ليسوا علماء بل علماء الضلالة انما العامة تتبعهم بدون تبصر و بدون روية و بدون تفكير...». برنامه «حجر الزاوية»، حلقة الشريط الاسلامي ما له و ما عليه.

۴. «واما المسألة الفرق فلا شك ان الشيعة بينهم و بين السنة فروق اصلية و ليست فرعية...» سخنرانی در برنامه «حجر الزاوية» حلقة «البصيرة» در تاریخ ۲۲ اکتبر سال ۲۰۰۶ م، ترکی دخیل، سلمان العوده من السجن الى التنوير، ص ۱۸۷.



همچنین روافض هم اعیادی اختصاصی مثل عید غدیر را دارند.» عوده ادامه داده است که اما مسلمانان بیش از دو عید ندارند، عید فطر و عید قربان. برخی از این سخنان عوده، برداشت نموده‌اند که وی شیعیان را از دایره اسلام خارج می‌داند و با این مطلب که شیعیان هم مانند یهود و نصاری و مجوس، اعیاد اختصاصی (و غیر اسلامی) دارند و اضافه کردن این مطلب که مسلمانان فقط دو عید دارند، لذا اعتقاد دارد، شیعیان مسلمان نیستند.<sup>۱</sup> این حرف‌های سلمان عوده در حالی است که این موضع وی، خلاف سلف و علمای اهل سنت است؛ چون سلف اهل سنت هم حتی خوارج را به سبب تکفیر صحابه از دایره اسلام خارج نمی‌دانستند و آنها را مسلمان می‌دانستند و نهایتاً گفته می‌شد خوارج به خاطر این اقوال یا اعمالشان جریانی انحرافی در اسلام هستند و با آنان معامله مسلمان را می‌کردند.

### ب. موضع تند سفر الحوالی نسبت به مقاومت شیعیان

سفر الحوالی از سران وهابی سروری نیز در جنگ ۳۳ روزه لبنان که مقابله حزب الله به عنوان نماد مقاومت اسلامی و شیعی در مقابل رژیم صهیونیستی بود گفت: «حزب الله که معنی آن حزب خداست درحقیقت حزب شیطان است. برای حزب الله دعا نکنید.»<sup>۲</sup> در این میان، هر از چند گاهی برخی از خطیبان و امامان جمعه وهابی سروری نیز با تأسی به بزرگان وهابی خود، بر طبل تکفیر شیعیان کوبیدند و بذر دشمنی را در مقابل شیعیان مقاومت که آنها را نماد قدرت شیعی ایران می‌دانستند افکندند.

### مواضع ضد ایران و امام خمینی علیه السلام جریان سروریه

یکی از مسائلی که سبب شناخت بیشتر جریان سروریه نسبت به پیروان تشیع و مکتب اهل بیت علیه السلام می‌شود، رجوع به تألیفات، مواضع و دیدگاه‌های این جریان درباره ایران و امام خمینی علیه السلام بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی می‌باشد؛ زیرا اوج قدرت شیعه در حکومت اسلامی ایران و مواضع بنیان‌گذار عظیم الشأن آن بوده است که در ادامه برخی از این مواضع را بیان می‌کنیم.

1. [www.islamtoday.net/salman/artshow-28-10539.htm](http://www.islamtoday.net/salman/artshow-28-10539.htm).

۲. پایگاه اطلاع رسانی سفر الحوالی، به نشانی: <http://www.alalbany.com>



## الف. مواضع سلمان العوده

سلمان العوده سعی در تخریب عقاید امام خمینی علیه السلام بنیان گذار انقلاب اسلامی ایران دارد تا از این طرق هم عقاید شیعیان را تخطئه کرده باشد و هم نفوذ وی را در بین شیعیان کم نماید. وی ضمن مباحثی که بیان می کند به عالم بزرگ شیعیان امام خمینی علیه السلام تهمت مشرک بودن می زند و می گوید:

نوع دوم از کسانی که ایمان ربوبی به خداوند ندارند... مثل این نوع، بلکه بدتر از اینها رافضه (شیعیان) هستند که اعتقاد دارند، ائمه آنها ولایت تکوینی دارند. کما اینکه طاغوت بزرگ اینها (امام خمینی) در کتاب حکومت اسلامی خود، ولایت تکوینی را برای ائمه قائل شده است. پس اینها اعتقاد دارند که ائمه با خداوند در ربوبیت شریک هستند.<sup>۱</sup>

سلمان العوده در جواب از مسئله ولایت فقیه از آنجایی که قائل به درک این مسئله نیست با تخطئه این اصل، اظهار می دارد این مسئله را که امام خمینی علیه السلام آورده است، یک مسئله کاملاً شیعی است و قابل انطباق به اهل سنت و مذاهب دیگر نیست؛ زیرا در مسئله ولایت فقیه بحث نیابت از امام دوازدهم در زمان غیبت ایشان مطرح است که مذاهب دیگر این مسئله را قبول ندارند... و این مسئله (ولایت فقیه) را نوعی از مکر و حيله و کید می نامد.<sup>۲</sup>

۱. «النوع الثاني ممن لم يؤمنوا بالله رباً: هم من يعتقدون أن هناك مصرفاً مع الله عز وجل - كما يعتقد كثير من المنتسبين إلى الإسلام - كالصوفية مثلاً، الذين يعتقدون أن من الأولياء والأقطاب والأبدال والأوتاد من لهم تصرف في شئون الكون: في الرزق، والإحياء، والإماتة، وغير ذلك ومثلهم - بل أشد منهم وأكثر - الرافضة الذين يعتقدون أن لأنمتهم خلافة تكوينية على كل ذرة من ذرات الكون، كما يقول طاغوتهم الأكبر الخميني في كتابها الحكومة الإسلامية: إن لأنمتنا خلافة تكوينية على كل ذرة من ذرات هذا الكون. فهم يعتقدون أن هؤلاء الأئمة مشاركون لله تعالى في ربوبيته...»؛ سلمان العوده، دروس للشيخ سلمان العوده (دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية) (جزء ٤٠، ص ٨)

۲. «السؤال: مسألة ولاية الفقيه، أثارها بعض الناس، واتهم بعض الدعاة بالدعوة إليها، فما قول الشيخ سلمان العوده في هذه المسألة؟ الجواب: الناس قد يتكلمون في أمور، لا يستطيعون أن يدركوا خلفياتها ولا أبعادها الفكرية ولا العقديّة أو سواها. فأول سؤال يجب أن يطرح: ما هي ولاية الفقيه؟ فمن حق قرآني أو مستمعي أن أشرح لهم المصطلح، والمصطلح ليس ملكي، ولا أنا الذي ابتدعته، أي أن الذي كتب في هذه المسألة، ليس المصطلح ملكه ولا هو الذي ابتدعه، إنما هو ناقل فليحدد لنا ما هي ولاية الفقه. ولاية الفقيه مبدأ شيعي (١٠٠%) غير قابل للنقل لأي مذهب آخر، لأن الشيعة تميزوا بميزات عن أهل السنة. ومن مميزاتهم أنهم يعتقدون بوجود إمام غائب، غاب سنة (٢٦٠هـ) ولن يعود إلا في آخر الزمان، وهو الإمام الثاني عشر محمد بن حسن العسكري، ولهذا يسمون الاثنى عشرية، لأنهم ينتظرون ظهور هذا الثاني عشر. وكثيراً ما يقولون بما فيهم الخميني: (عج) بعدما يذكرون اسمه، فهم يرمزون له بحرف العين والجيم، رمزاً لقولهم: عجل الله فرجه وسهل الله مخرجه، فهم يعتقدون أن

سلمان العوده با زیر سؤال بردن مقام علمی حضرت امام خمینی علیه السلام سعی دارد مقام ایشان را کوچک جلوه دهد و چنین می گوید: «به یاد دارم مطلبی را مطالعه کردم در یک زمانی که در آن آمده بود درباره (امام) خمینی هالک که وقتی شاه ایران از وی غضبناک شد، تصمیم گرفت او را به قتل برساند و اعدام کند؛ لذا بزرگان ایران سریعاً جمع شدند و به خمینی مرتبه آیت اللهی اطلاق نمودند تا او را از اعدام نجات دهند.»

درواقع سلمان العوده می خواهد با این دروغ ها عنوان کند که مقام آیت اللهی به خاطر نجات امام خمینی علیه السلام از اعدام بوده است و درواقع او این مقام علمی را به دست نیاورده است و این مقام صوری بوده است.<sup>۱</sup> عوده همچنین در چند جای مختلف سعی دارد قضیه انقلاب ایران و رهبری امام خمینی علیه السلام در این انقلاب را به دخالت دولت فرانسه ارتباط دهد.<sup>۲</sup> عوده همچنین در جایی اظهار می دارد که پیوستن به مکتب امام خمینی علیه السلام و دعوت و ایدئولوژی وی بسیار خطرناک تر است از کسانی که گول دیگران و دیگر مکاتب را خورده باشند و از نظر وی ایدئولوژی حضرت امام علیه السلام ضرر و انحرافش بسیار بیشتر از دیگر ایدئولوژی هاست؛ لذا باید جلوی نفوذ این تفکر (انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام علیه السلام) را گرفت.<sup>۳</sup>

هذا الإمام المختفي في السرداب سيظهر... وأعتقد أن هذا نوع من الكيد والمكر الفاسد، والله تعالى يقول: {إِنَّ اللَّهَ لَا يُصَلِّحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ} [يونس، ۸] ولهذا دائماً تكون النتائج بحمد الله عكس ما يراد له؛ سلمان العوده، دروس للشيخ سلمان العوده (دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية) (جزء ۴۷، ص ۴۹)

۱. «... وقد استفاد الشيعة من هذا الأمر، فأذكر أنني قرأت منذ زمن في ترجمة الهالك الخميني أنه غضب عليه حاكم إيران في وقته لموافقته، وحاول أن يصدر قراراً بإعدامه وقتله، فماذا فعل رجالات الشيعة في إيران؟ لقد اجتمعوا سريعاً وأصدروا قراراً بترقية الخميني إلى مرتبة آية الله. وهذه مرتبة دينية عندهم لآياتهم وزعمائهم الدينيين ومراجعهم العلميين، ومن وصل إلى هذه المرتبة فإنه لا يمكن أن يكون في حقه إعدام ولا حكم من هذا القبيل، فرفعه بذلك، ومنعوا الحاكم من أن يقتله، فاستغلوا قضية التضامن فيما بينهم على ما هم عليه من باطل وفساد في منع أي ظلم أو اعتداء لأحد منهم...»؛ سلمان العوده، دروس للشيخ سلمان العوده (دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية) (جزء ۸۲، ص ۲۲)

۲. العوده، سلمان، دروس للشيخ سلمان العوده (دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية) (جزء ۹۶، ص ۶)  
 ۳. «... هذا الاغترار أهو أخطر، أم اغترار الذين اغتروا ب الخميني مثلاً يوم رفع عقيرته في الدعوة إلى مذهبه وطريقته؟ قال: لا، بل الاغترار ب الخميني أعظم وأصعب، قلت: الذين اغتروا ب الخميني أكثر أم الذين اغتروا بكلام هذا الإنسان، قال: لا، بل الذين اغتروا بذلك الداعية الرفضية أكثر عدداً وعدة. قلت له: لقد عجزنا عن دفع اغترار الكثيرين من الناس بأهل الكفر أحياناً، فهناك من اغتروا بالنصارى واليهود، وعجزنا عن دفع اغترار الكثيرين من الناس بأهل البدعة الظاهرة المعلنة، وعجزنا عن دفع اغترار الكثيرين من الناس بالمنافقين الذين يتسترون بالإسلام، فلماذا نركز جهادنا وهنأنا في دفع اغترار خمسين أو مائة بشخص، وهو اغترار لا يضر إن شاء الله تعالى في دنيا ولا دين؟ فلماذا تريد أن تثير معركة حول شخصي، أو شخص فلان أو علان؟ نحن نرى أن دين الله تعالى أعظم من الأشخاص وأعظم من الجماعات، وينبغي أن يكون



## ب. دیدگاه سفر الحوالی

سفر الحوالی در جواب سؤالی منظور از تروریسم را به ایران و امام خمینی علیه السلام مثال می‌زند و ادامه می‌دهد که ایران امام خمینی چه بودجه‌ای را برای مقابله با اسلام فراهم آورده بود.<sup>۱</sup> حوالی همچنین در جواب سؤالی دیگر که از عقیده امام خمینی علیه السلام از وی می‌شود، بیان می‌دارد که او (امام خمینی) هم مانند سایر علمای شیعه است و با این حرف می‌خواهد نفوذ وی را کم‌اثر جلوه دهد و اسلام معرفی شده از حضرت امام خمینی علیه السلام را که با اقبال مسلمانان جهان روبه‌رو شده است تحقیر کند. سپس حوالی در ادامه به تکفیر شیعیان می‌پردازد و می‌گوید شکی نداریم که شیعیان به خصوص علمای آنان به خاطر عقایدی که دارند، مانند تحریف قرآن و نسبت ناروا به عایشه، کافر هستند. حوالی در ادامه با تکفیر امام خمینی علیه السلام می‌افزاید آنچه وی (حضرت امام) در کتاب ولایت فقیه خود بیان می‌کند از قاتل بودن ولایت تکوینی برای ائمه علیهم السلام این را مسلمان نمی‌گوید.<sup>۲</sup>

سفر الحوالی همچنین در جایی عمق کینه خود را نمی‌تواند از حضرت امام خمینی علیه السلام

الأشخاص والجماعات كلهم فداءً لدين الله تعالى». (سلمان العودة، دروس للشيخ سلمان العودة (دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية) (جزء ۱۳۲، ص ۲۶)

۱. «يتكلم عن الأصولية الإيرانية كما تسمى أيام الخميني، ثم عرفها وعرف حقيقتها، وعرف ما قدمت له من رصيد لمحاربة الإسلام من أفعالها ومن تصرفاتها...» (سفر الحوالی، آفة الاستعجال، ص ۲۲)

۲. «السؤال: ماذا تقول في عقيدة الخميني؟ الجواب: نحن لا نحتاج لذكر الأسماء، فعقيدته عقيدة الرافضة الاثنى عشرية، وهو إمام من أئمتهم، ولا يعدل عن أي شيء من دينهم، إلا أنه مجتهد داخل المذهب، بمعنى أنه قد يتصرف في بعض الأحكام كأبي مجتهد من المجتهدين، فقد يرجح قولاً على قول، ويقدم قضية على قضية، لكن هو لا يفرق في أي مسألة عن أئمة الروافض بأي حال من الأحوال».

«السؤال: هل يكفر قادة هؤلاء الروافض، وما وجه تكفيرهم؟ الجواب: من خلال معرفتنا لعقائدهم لا شك أنهم يكفرون وبالذات زعمائهم، لأن القول في تحريف القرآن لا شك أنه كفر، والقول بتكفير أصحاب النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كفر، والظعن في الصديقة بنت الصديق الطاهرة المطهرة المبرأة من فوق سبع سماوات أم المؤمنين عائشة رضي الله تعالى عنها، بأنها ارتكبت الفاحشة، هذا كفر وتكذيب لكتاب الله، وهذا ما يدينون به. واعتقادهم عصمة الأئمة بل بألوهيتهم كما في الكافي، أنهم يعلمون ما كان وما سيكون، واعتقادهم بأن أئمتهم لهم خلافة تكوينية تخضع لها جميع ذرات النجوم، فماذا بقي لله عز وجل؟ وإذا كان كما في كتاب ولاية الفقيه أن لأئمتهم خلافة تكوينية تخضع لها جميع ذرات الوجود، فهل يقول هذا مسلم؟ ويقول: إن لأئمتهم درجة لا يصل إليها ملك مقرب ولا نبي مرسل، فمن فضل أحداً على محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هل يمكن أن يكون مسلماً؟! ومن أي فقرة أو أي باب من أبواب عقائدهم تجد الكفر الصريح والضلال البعيد، عافانا الله وإياكم؟ أما بالنسبة للعامّة والأتباع - فهم منهم في وقت المواجهة- وتجادلهم بالتي هي أحسن، لكن وقت المواجهة يكونون منهم، كما قال الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ في كبار وصغار ونساء المشركين: {هم منهم}»؛ (سفر الحوالی، الباطنية عبر التاريخ، ص ۴۹-۴۸)

و نفوذ وی پنهان دارد و اسلام حضرت امام را اسلامی خونریز، خشن و تروریسم معرفی می‌کند و در مقایسهٔ امام با صدام، صدام حسین خونریز را بر امام برتری می‌دهد و در جنگ ایران و عراق، حق را با عراق صدام حسین می‌داند و القاب نامناسبی را بیان می‌کند.<sup>۱</sup> وی همچنین از انقلاب اسلامی با عنوان فتنهٔ خمینی یاد می‌کند.<sup>۲</sup>

### ج. دیدگاه محمد سرور

محمد سرور به‌عنوان رهبر این جریان وهابی، کتبی را در نقد حکومت ایران، امام خمینی علیه السلام و تشیع تألیف نموده که در واقع همهٔ اینها به این نکته برمی‌گردد که وهابیان اگر کتابی را بر ضد ایران یا امام خمینی هم تألیف نموده‌اند به‌خاطر این مسئله بوده که انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام را سرآغاز قدرت تشیع و مطرح‌شدن این فکر در دنیای اسلام می‌دانند و با بحث صدور انقلاب، این مسئله را خطری برای خود تلقی می‌کنند و لذا با تألیف کتب متعدد قصد ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی را دارند.

محمد سرور بن نایف زین‌العابدین با همین هدف کتاب و جا دور المَجوس به‌معنای «هنگامهٔ مجوسیان (زرتشتیان) فرارسید» را بعد از انقلاب اسلامی ایران و در ضدیت با آن به رشتهٔ تحریر درآورد. این کتاب که در بیش از ۳۵۶ صفحه تهیه شده است، مملو از اکاذیب و دروغ‌های بی‌شمار تاریخی و تهمت‌های بی‌اساس علیه مکتب تشیع و انقلاب اسلامی و امام خمینی علیه السلام می‌باشد. محمد سرور در این اثر به سراغ ایران آمده و با بررسی پیشینهٔ تاریخی ایران، عقبهٔ ایران را دارای اعتقادی زرتشتی معرفی نموده و ماجرای ورود اسلام به ایران و موقعیت شیعه در این میان را بررسی می‌کند. وی با نقل اقوال علمای معاند اهل سنت نسبت به شیعیان، حملات خود به اندیشهٔ شیعی را شدت می‌بخشد. توجه به انقلاب اسلامی ایران و اعلام خطر از قدرت‌یافتن اسلام شیعی در

۱. «فالنموذج لديهم إما أن يكون الخميني: العنف والإرهاب والدموية، هذا هو الإسلام... فعندما كان الخميني، كان صدام بالنسبة لهم هو المُحقّ المصيب أو المظلوم في هذه الحرب الذي يطالب بإيقافها من طرف واحد وهو عادل ومنصف واستجاب لمطالب الأمم المتحدة في هذا وهو مع الشرعية الدولية. فلما أرادوا تحويله أصبح هو الديكتاتور والسفاح وصاحب بابل الزانية وكل لقب من الألقاب والوحش لأنهم عندهم رؤية من رؤى يوحنا الوحش هو النبي الكذاب إلى غير ذلك يعني أولوا كل التأويلات عليه.» (سفر الحوالمی، المسلمون ودراسات المستقبل، محاضرة الشيخ سفر بن عبد الرحمن الحوالمی، ص ۱۶-۱۵).

۲. الحوالمی، سفر بن عبد الرحمن، درس للشيخ سفر الحوالمی، جزء ۲۹، ص ۱۷. <http://www.islamweb.net>



این دوران، مهم‌ترین مضمون کتاب و انگیزه اصلی نویسنده در نگارش این اثر است. سرور در صفحات پایانی اثرش به نقل اقوال روزنامه‌های ایران نیز پرداخته و نهایتاً تلاش می‌کند تا مطابق روند رایج در آثار مشابه خود، اندیشه شیعی رایج در ایران را دشمن اسلام و مخالف جماعت عامه معرفی نماید.<sup>۱</sup>

در مجموع سرور معتقد است در حال حاضر، شیعه با محوریت حکومت ایران در حال تقویت است و در راه اهداف خود از همکاری با انواع دولت‌ها و از به کار بردن انواع حيله‌ها ابایی نداشته است. از این‌روست که در نگاه سروری‌ها شیعیان خطری شدیداً بالفعل تلقی شده‌اند و در پی همین نگرش است که اصحاب جریان‌های وهابی و... همواره نسبت به اقدام تروریستی علیه اشخاص، جریان‌ها و اجتماعات شیعی پیش‌قدم هستند و در راه نابودکردن اساس تشیع اشتیاقی تعجب‌برانگیز دارند.<sup>۲</sup>

#### نقد

در نقد این مسئله باید گفت که جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام در اندیشه اعتلای اسلام و کمک به مستضعفین بودند و همان‌طور که مشهود است امام خمینی علیه السلام و مسئولان جمهوری اسلامی در دفاع و تشکیل جبهه مقاومت، برایشان شیعه و اهل تسنن فرقی نداشت و این مسئله که شیعیان و جمهوری اسلامی، خطری برای مسلمانان هستند، تهمتی بیش نیست؛ بلکه در واقع ایران شیعه، همان‌گونه که از جریان شیعه حزب الله لبنان دفاع می‌کند، همان‌گونه بلکه بیشتر از جریان حماس و جهاد اسلامی سنی فلسطین دفاع می‌کند. در واقع امام خمینی علیه السلام با تشکیل انقلاب اسلامی به اسلام خدمت شایانی نمود.

مقام معظم رهبری علیه السلام نیز به نقش بی‌بدیل امام خمینی علیه السلام در سرافرازی مسلمانان جهان اشاره نموده و چنین فرموده است: او، الگوی کامل یک مسلمان و نمونه بارز یک رهبر اسلامی بود. او، به اسلام عزت بخشید و پرچم قرآن را در جهان به اهتزاز درآورد. او، ملت ایران را از اسارت بیگانگان نجات داد و به آنان غرور و شخصیت و خودباوری بخشید و او، صدای استقلال و آزادی را در سراسر جهان سر داد و امید را در دل‌های

۱. سرور، محمد، و جاء دور المجوس، ص ۲۵۰-۲۰۰.

۲. همان، ص ۱۹.



ملل تحت ستم جهان زنده کرد و او، در عصری که همه دست‌های قدرتمند سیاسی برای منزوی کردن دین و معنویت و ارزش‌های اخلاقی تلاش می‌کردند، نظامی بر اساس دین و معنویت و ارزش‌های اخلاقی پدید آورد و دولت و سیاستی اسلامی بنیان نهاد.<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

جریان سروری یکی از جریان‌های درون وهابی است که بر اساس عقاید محمد بن عبدالوهاب شکل گرفته است. یکی از ویژگی‌های جریان سروری که قابل توجه است، این نکته می‌باشد که این جریان در مقابل حاکمیت عربستان سعودی انتقادات تندی دارد و این‌طور نیست که تمام احکام حاکم اسلامی را بپذیرند و هر چه آل سعود بگویند یا حکم کنند، تبعیت محض نمایند و مردم را هم به سمت اطاعت‌پذیری محض از حاکمیت آل سعود سوق نمی‌دهند. در مقاله حاضر دیدگاه جریان سروری نسبت به تشیع و جمهوری اسلامی ایران بررسی شد و این نتیجه به دست آمد که هرچند جریان وهابی سروری به حاکمیت آل سعود منتقد است؛ ولی در عقاید، همان مشی محمد بن عبدالوهاب تکفیری را دارند و این یعنی اینها، هم به آل سعود منتقدند و هم بر اساس عقاید متخذ خود از سردمداران تکفیری، فتوای تندی علیه شیعیان و جمهوری اسلامی و بنیان‌گذار انقلاب شکوهمند ایران، دارند و نباید فکر کنیم که اینها به سبب نقد حاکمیت آل سعود، دوستان ما هستند؛ بلکه در تکفیری بودن خود، علیه شیعه و نظام جمهوری اسلامی هم راسخ هستند، هرچند از جهت اینکه مقابل آل سعود نیز ایستاده‌اند، برایمان فرصت می‌باشند.



۱. فرازی از پیام مقام معظم رهبری به ملت شریف ایران در تجلیل از امام امت ۱۳۶۸/۳/۱۸.

## منابع

۱. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، الايمان، بیروت: المكتب الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۲. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، العبودیة، بیروت: دارالاصالة، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، طب القلوب، کویت: دارالدعوة للنشر و التوزیع، ۱۴۱۱ق.
۴. امین، سید محسن، تاریخچه نقد و بررسی عقاید و اعمال وهابی ها، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۸۷ش.
۵. امین، سید محسن، ترجمه كشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب، ترجمه: علی اکبر فائزی پور تهرانی، قم: مطبوعات دینی، ۱۳۸۷ش.
۶. آل قراج، ابویوسف مدحت بن الحسن، فتاوی الأئمة النجدیة حول قضایا الأمة المصریة، مكتبة الرشد ناشرون، ۱۴۲۸ق.
۷. آل الشیخ، محمد بن عبداللطیف، شرح تحکیم القوانين للشیخ سفر الحوالی، مصر: المكتبة الطیب، بی تا.
۸. بن محمد بن عثمان، علی خالد، الحدود الفاصلة بین اصول منهج السلف الصالح و اصول القطیبة السروریة، بی جا: دارالتوحید، ۱۴۳۱ق.
۹. جمعی از نویسندگان و عبدالغنی عماد، الحركات الاسلامیة فی الوطن العربی، بیروت: مرکز الدراسات الوحده العربیة، بی تا.
۱۰. جمعی از نویسندگان، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰ش.
۱۱. الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، اصول الفرق و الأديان و المذاهب الفکرية المعاصرة، بی جا: دار منابر الفکر، بی تا.
۱۲. الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، الانتفاضة و التتار التجدد، بی جا: دار منابر الفکر، بی تا.
۱۳. الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، العلمانية: نشأتها و تطورها و آثارها فی الحياة الإسلامية، بی جا: دار منابر الفکر، بی تا.
۱۴. الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، القدس بین وعد الحق و وعد المفتری، بی جا: دار منابر الفکر، بی تا.
۱۵. الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، الموقف الشرعی لاحداث ۱۱ سبتمبر، بی جا: دار منابر الفکر، بی تا.
۱۶. الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، تطور الفکر الغربی و الحداثه، بی جا: دار منابر الفکر، بی تا.
۱۷. الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، حقایق حول ازمة الخلیج، بی جا: دار مكة المكرمة، ۱۴۱۱ق.
۱۸. الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، رسالة من مكة... من أى شیء ندافع؟ بی جا: دار منابر الفکر، بی تا.

١٩. الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، ظاهرة الارجاع في الفكر الاسلامی، بی جا: دارالكلمة للنشر و التوزيع، ١٤٢٠ق.
٢٠. الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، منهج الاشاعرة في العقيدة، قاهرة: مكتبة العلم، بی تا.
٢١. الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، يوم الغضب هل بدأ بانتفاضة رجب، بی جا: دار منابر الفكر، بی تا.
٢٢. الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، كشف الغمة عن علماء الامة (وعد كيسنجر)، بی نا، بی تا.
٢٣. رئيسی، علی، نقد مبانی و آرای وهابیت از دیدگاه محمد سعید رمضان البوطی، حسن بن فرحان، تهران: سازمان حج و زیارت، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارات، ١٣٩٤ش.
٢٤. الزبیدی، عمر ابراهیم، الفسیفساء السعودیه، بیروت: الدار العربیه للموسوعات، ٢٠١١م.
٢٥. الزبیدی، عمر ابراهیم، الفسیفساء السعودیه، بیروت: الدار العربیه، ٢٠١١م.
٢٦. سبحانی تبریزی، جعفر، آیین وهابیت، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٣٦٤ش.
٢٧. السرور، محمد، أحوال أهل السنة في ایران، بی جا: بی نا، ١٤٢٧ق.
٢٨. السرور، محمد، أزمة الأخلاق، بی جا: بی نا، بی تا.
٢٩. السرور، محمد، اغتبال الحریری و تداعياته على اهل السنة، بی جا: بی نا، ١٤٢٧ق.
٣٠. السرور، محمد، الأستطاعة، دارالجاییه، بی جا: بی نا، ١٤٣٣ق.
٣١. السرور، محمد، التوقف و التیین، بی جا: دارالجاییه، ١٤٠٩ق.
٣٢. السرور، محمد، الجيش و السياسة في سورية، بی جا: دارالجاییه، ١٤٢٩ق.
٣٣. السرور، محمد، الشیعة في لبنان حركة نموذجا، بی جا: دارالجاییه، ١٤٣٣ق.
٣٤. السرور، محمد، أيقاظ قومی أم نيام؟ بی جا: بی نا، بی تا.
٣٥. السرور، محمد، جماعة المسلمین، بی جا: دارالجاییه، بی تا.
٣٦. السرور، محمد، دراسات في السيرة النبویه، بی جا: دارالازقم، ١٤٠٨ق.
٣٧. السرور، محمد، مأساة المخيمات الفلسطينية في لبنان، بی جا: دارالجاییه، بی تا.
٣٨. السرور، محمد، و جاء دور المجوس، بی جا: بی نا، بی تا.
٣٩. السلفية السرورية «مزج بين فكر «ابن تيمية» و حركية «الإخوان القطبية»-  
http://www.islamist-movements.com/12175
٤٠. عبدالملکی، محسن، وهابیت، تاریخ و افکار، قم: مؤسسه دارالعلم لمدرسة اهل البيت (علیهم السلام)، ١٣٩٤ق.
٤١. علماء نجد الأعلام، الدرر السنية في الاجوبة النجدية، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم



- عاصمی نجدی، ۱۴۱۷ق.
۴۲. علیزاده موسوی، مهدی، ایمان و کفر، قم: دار العلم لمدرسة اهل البيت (علیہ السلام)، ۱۳۹۳ش.
۴۳. عماد، عبدالغنی، البتّ المباشر حقائق و أرقام، بی جا: بی نا، بی تا.
۴۴. عماد، عبدالغنی، التوحید اولاً، ریاض: دارالوطن، ۱۴۱۳ق.
۴۵. عماد، عبدالغنی، الحركات الاسلامية في الوطن العربي، بی جا: مركز دراسات الوحدة العربية، ۲۰۱۳م.
۴۶. عماد، عبدالغنی، الحمة، ریاض: دارالوطن، ۱۴۱۲ق.
۴۷. عماد، عبدالغنی، السلفیة و السلفیون الهوية و المغایرة، بی جا: مكتبة مؤمن قريش، ۲۰۱۶م.
۴۸. عماد، عبدالغنی، العلم، بی جا: بی نا، بی تا.
۴۹. عماد، عبدالغنی، الفتور، ریاض: دارالوطن، ۱۴۱۴ق.
۵۰. عماد، عبدالغنی، الوسطية في ضوء القرآن، بی جا: بی نا، بی تا.
۵۱. عماد، عبدالغنی، ثوابت الأمة في ظل المتغيرات الدولية، بی جا: مكتب المشرف العام، ۱۴۲۵ق.
۵۲. عماد، عبدالغنی، جزيرة العرب بين التشريف و التكليف، بی جا: مكتب المشرف العام، ۱۴۲۳ق.
۵۳. عماد، عبدالغنی، خارطة الطريق، بی جا: دارالحضارة، ۱۴۳۱ق.
۵۴. عماد، عبدالغنی، رسالة المسلم في حقبة العولمة، بی جا: مركز الدراسات الاسلامية بقطر، ۱۴۲۴ق.
۵۵. عماد، عبدالغنی، روية استراتيجية في القضية الفلسطينية، بی جا: بی نا، بی تا.
۵۶. عماد، عبدالغنی، فقهيات، بی جا: دار ابن حزم، ۱۴۲۴ق.
۵۷. عماد، عبدالغنی، في رحاب الاخوة، بی جا: دار ابن حزم، ۱۴۲۳ق.
۵۸. عماد، عبدالغنی، لا تحزن، بی جا: مكتبة العبيكان، ۱۴۲۳ق.
۵۹. عماد، عبدالغنی، لو كنت طيراً، بی جا: مؤسسة الاسلام اليوم، ۲۰۱۲م.
۶۰. عماد، عبدالغنی، مع الأئمة، بی جا: مؤسسة الاسلام اليوم، ۱۴۳۳ق.
۶۱. العمر، ناصر، الاختلاف في العمل الاسلامی، بی جا: بی نا، بی تا.
۶۲. العودة، سلمان، أسئلة الثورة، بی جا: مركز نماء للبحوث و الدراسات، ۲۰۱۲م.
۶۳. فؤاد ابراهيم، السلفية الجهادية في السعودية، بيروت: دارالساقی، چاپ اول، ۲۰۰۹م.
۶۴. القطان، مناع خليل و ديگران، وجوب تطبيق الشريعة الاسلامية، بی جا: جامعة الامام محمد بن سعود، ۱۴۰۱ق.
۶۵. القطان، مناع خليل، تاريخ التشريع الاسلامی، بی جا: مكتبة وهبية، بی تا.

٦٦. القطان، مناع خليل، مباحث في علوم القرآن، بي جا: مكتبة وهبية، بي تا.
٦٧. القطان، مناع خليل، معوقات تطبيق الشريعة الاسلامية، بي جا: مكتبة وهبية، ١٤١١ق.
٦٨. القطان، مناع خليل، مواقف الاسلام من الاشتراكية، بي جا: دارالثقافة الاسلامية، بي تا.
٦٩. القطان، مناع خليل، نزول القرآن على سبعة أحرف، بي جا: مكتبة وهبية بي تا.
٧٠. لاكروا، استيفان، زمن الصحوة الحركات المعاصرة الاسلامية في السعودية، بيروت: الشبكة العربية للابحاث والنشر، ٢٠١٢م.



